

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۵۰ ریال

آبان‌ماه ۱۳۶۷ - نوامبر ۱۹۸۸

۱۴۳

دیدار سران حکومت آخوندی از کردستان

سفر یکی بعد از دیگری کارگزاران درجه اول رژیم نظیر
خامنهای رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهوری مجلس، میرحسین
موسوی نخعی وزیر، و محمد محمدی ری‌شهری وزیر -
اطلاعات و جاسوسی رژیم آخوندی به کردستان، برای
همه کس بخصوص مردم کردستان سوال انگیز است.

آیا آنها آمدند تا در ۹ سال لشکرکشی به کردستان
و کشتار خلق کرد را ارزیابی نمایند؟! آثار اعلام جهاد
خمینی علیه مردم کردستان، بدادک و خون کشیدن شهر
سنندج، قتل وفات کرده در ننده، سرزاندن
نهدها و روستا و قتل عام ساکنان آنها، اعدای
گروهی نظیر اعدای ۵۹ نفر جوان رمناباد، و خلاصه

دیکتاتوری و استقلال!

وضع آشفته رژیم آخوندی با در نظر گرفتن
شماره‌ها و ادعاهای کارگزاران این رژیم، مسائل
بحث انگیز و قابل تاملی را پیش می‌کشد که
مسئله ارتباط بین حکومت دیکتاتوری و وابستگی آن
از آن جمله است.

در هر ماه سال جاری خائنه‌ای و رفاندگی
ارد، بی‌بلی، و مودی را جمع روشن کردن حد و
چارچوب "بازسازی" نظامی به خصمی نوشتند
که "ضمیمه در جواب سیاست "مشرق و نه شرقی"
را بماند اساس و پایه بقاء و قوام جمهوری
اسلامی و امری که تحت هیچ شرایطی نباید
از آن دست کشید. به آنان خاطر نشان ساخت
شعاری که آخوندی‌ها از آثار پسند گرفته
قدرت همراه با برخی شه‌ارهای دیگر به
بر زبان رانده، و وقت و بیوقت به تکرار آن
پرداخته‌اند.

اما، بنیم در میدان عمل به بی واقعی این
شماره چیست؟

اولین نکته‌ای که در این ارتباط احتیاج به
توضیح دارد، آن است که شعار "مشرق و نه شرقی"
نه شرقی "پشایه" یک اصطلاح سیاسی برای ایران اکثر
به مفهوم عدم تعلق به شرقی اصلی که سنگ بنای
سازمان کشورهای غیر ضعیف را تشکیل می‌دهد
باشد چیز بی‌معنای نیست؛ هر چند این، نه
مسئله نازهای است که آخوندی‌ها آن را کشف کرده
باشند، و نه آنقدرها هم روشن و بدون پیچیدگی
است که در آن جای شک و جاسوسی وجود نداشته باشد.
اصطلاح "مشرق و نه شرقی" که اساساً برای

"این در قاش" و

مبارزه ضد استکباری!

در این شماره:

۷ ★ ادعای آزادی فعالیت سیاسی!

۹ ★ میدانی وسیع برای مبارزه!

۱۲ ★ چند خبر مهم ایران و جهان

دیکتاتوری و استقلال!

تفکر قبول وجود دنیای سومی در بین دودنیای دیگر، یعنی جبهه کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی از یک سو، و جبهه کشورهای صنعتی سرمایه داری به رهبری ایالات متحده آمریکا از دیگر سو بنا نهاده شده است، بر راهی مستقیم، و بر عدم شرکت در پیمانتهای نظامی - سیاسی وابسته به هر یک از این دودنیای شرق و غرب نظر دارد. عدم تعهد نه به معنای خصومت یا امتناع از ایجاد مناسبات، بلکه به معنای برقراری روابطی وسیع اما آزاد و مستقل، با هر دو جبهه شرق و غرب از هر لحاظی که منافع و مصالح کشور اقتضا کند. بدون آنکه وارد این بحث شویم که مرز روشن بین وابستگی و عدم تعهد چیست و از کجا آغاز می گردد، حقیقت آن است که با در نظر گرفتن وضع ژئوپولیتیکی (جغرافیایی - سیاسی) ایران، عدم تعهد به هیچ مدیوسی که بدان اشاره کردیم شاید در شرایط امروزی مناسبترین خطا عمومی سیاسی برای ایران باشد. اما پرسشی که در این ارتباط مطرح می گردد این است که آیا قدر رژیم حسینی هم از طرح شمار "نشرقی و نه غربی" مفهوم اشاره شده در بالا است؟ به علاوه آیا این رژیم و بطور کلی تمام رژیمهای مانند آن در عمل می توانند آن استقلالی را دارا باشند که این عدم تعهد را ضمانت کند؟ همانطور که گفتیم "عدم تعهد" بیشتر

بویژه از لحاظ اقتصادی فکر قبول وجود دنیای سومی بین دودنیای دیگر پایه لرزانی دارد. زیرا که اگر دنیای غرب را دنیای سرمایه داری و دنیای شرق را دنیای سوسیالیستی بدانیم جهان سوم که بین شرق و غرب قرار می گیرد بر اساس کدام سیستم اقتصادی پایه گذاری شده یا می خواهد پایه گذاری شود؟ از آنچه تاکنون مفهوم شده است، بنظر می رسد که رژیم آخوندی ایران از طرح شمار "نه شرقی، نه غربی" دقیقاً مفهوم رد هر دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی را در نظر دارد. یعنی شمار "نشرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" از دیدگاه آخوند نما بمعنی تأسیس یک جهان اسلامی بین دودنیای استکباری شرق و غرب است، با یک سیستم اقتصادی ویژه که اقتصاد اسلامی باشد، جدا از سرمایه داری و سوسیالیسم. اما بدیهی است که اگر در دنیای امروز اقتصاد بنام اقتصاد اسلامی وجود داشته باشد، سیستم آن در واقع همان سیستم سرمایه داری است. اصل محترم شدن مالکیت خصوصی، آزادی کسب و کار و تجارت و انداختن سرمایه (مشروط به پرداخت مالیاتهای شرعی و قانونی) و انتقال سرمایه به ورثه، خود شاهد انکار ناپذیری از این حقیقت اند که آثار آن را امروزه در اختلاف و دودستگی شدید بیان آخوندها بر سر سألله

ممكن است ادعا گردد که بحث از استقلال و یا عدم تعهد اقتصادی در یک کشور اگر از نظر محتسوی و اقتصادی هم بحث بی پایه ای باشد دست کم از نظر شیوه پیوندهای اقتصادی با کشورهای دیگر و درجه این پیوندها بی پایه نیست. این البته درست است، مشروط به اینکه "عدم تعهد" به معنای استقلال کامل یا "خودکفایی" گرفته نشود، چرا که در دنیای امروزه هیچ کشوری نخواهد توانست دیوار غیر قابل نفوذی بر دور خود بکشد. حاصل خودکفایی اقتصادی ادعایی اسلامی (یا آخوندی) وضع پریشان فعلی ایران است که لزومی به بحث درباره آن نیست، هر چند هنوز از این به اصطلاح خودکفایی ده سال نگذشته است! آنچه که درباره "عدم تعهد" به معنای "خودکفایی" اقتصادی گفته شد در زمینه های دیگری چون نظامی، علمی و فرهنگی نیز کاملاً صادق است. جنگ چند ساله با عراق به همه حتی به افراد بسیار دور از واقعیتهای دنیای امروز مثل آخوندها هم نشان داد که کشوری مثل ایران از لحاظ نظامی و بویژه از نظر تجهیزات نظامی تا چه اندازه وابسته به خارج است. از نظر علمی هم همینطور، زیرا که امروزه برای علم تنها یک دنیا وجود دارد و بس! مگر اینکه درجه فهم ما از علم در همان حد فهم علمی زمان اوجی سینا و ابوریحان مانده باشد!

بدین ترتیب تنها عدم تعهدی که

دیدار سران حکومت آخوندی از کردستان

عمکرد ، جنایتکارانه و ضد خلقی لشکریان خود را در کردستان تماشاً کنند؟

البته اینها را همگی می توان جزو هدفهای این سفرها دانست. لیکن واقعیت آن است که اینها جزئیسی هستند از کل هدف که عبارت باشد از مطالعه و بررسی راهها و امکانات برای سرکوب کامل جنبش کردستان. چرا که بعد از خاتمه جنگ با عراق رژیم می خواهد خیال خود را از جانب ابرزیسمین فعال داخلی آلود کند، و اقدامهای می در پی نیز در صورت در همین راستا انجام می گیرد. آخوندها می بینند که ۹ سال جنگ با مردم کردستان و وحشیگریهایشان نسبت به خلق کرد، خللی در اراده این مردم در جهت مبارزه برای تحقق خواستههای برحقشان بوجود نیاورده و خلق کرد همچنان در سنگر دفاع از حقوق خود و آزادی و دموکراسی برای تمام ایران باقی مانده است. بدون شك این یکی از بزرگترین مشكلاتی است که آخوندها، بنابه ماهیت ضد مردمی شان تاکنون از حل آن عاجز مانده اند و بعد از خاتمه جنگ با عراق هم باشند بیشتر با آن روبرو هستند.

در مدت چند سال مبارزه مساحتها در کردستان، مردم مداران حکومت همیشه کوشیده اند مردم سایر نقاط ایران را تا حد ممکن از آن بی خبر نگه دارند و حضور نظامی دوستان

در این مدت انبوه کشته هاییکه در برخورد با پیشمرگان روی دست رژیم قرار گرفته و به شهرها حمل گردیده است، بعنوان کشته شدگان در جبهه های جنگ با عراق وانمود شده است. ولی روشن است که با شکست مفتوحانه نیروهای ایران در جنگ با عراق و قبول آتش بس، بعد از این مخفی کردن کشته ها و زخمی های نیروهای سرکوبگر در جنگ با مردم کردستان کار ساده ای نخواهد بود. تنها چند روز قبل از ورود آخوندها خانه های به ارومیه بود که جسد بیش از صد کشته از نیروهای رژیم در برخورد با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران، به شهرهای خوی و ارومیه و سایر شهرها حمل گردید.

از این رو طبیعی است اگر آخوندها به فکر چاره بیفتند، و از آنجا که جز سرکوب راه دیگری نمی شناسند، با سفر به کردستان از نزدیک بررسی کنند که به چه طریقی می توان جنبش خلق کرد را سرکوب نمود، و احتمالاً چه راههای تازه ای برای این کار می شود یافت. اما بهر حال هدف اساسی عبارتست از "کردستانی کردن جنگ"، یعنی روبرو قرار دادن مردم کردستان، که از یکسو بعقول معروف زهر طرف که شود کشته نفع اسلام است، و از سوی دیگر اخبار تلفات و ضربات متحمل شده را می توان به خود کردستان محدود نمود و مانع از

آخوندها، بعلت ضعف نیروهای مسلح رسمی خود در مقابل پیشمرگان، کوشید تا با اجبر کردن عده های کهنه ساواکی و کهنه مالک زمان شاه و افراد لومین، دسته هایی از مزدوران محلی بوجود آورد و در مقابل پیشمرگان قرار دهد؛ همانهایی که از طرف مردم کردستان به "جاش" مشهورند. ولی در نتیجه ابراز انزجار عمومی مردم کردستان نسبت به آنها، جاشها منفرد باقی ماندند و نتوانستند در مقابل نیروی پیشمرکه مقاومت کنند و در بسیاری از مناطق یا با تحمل تلفات سنگین از میدان نبرد رانده شدند و یا خود اسلحه زمین گذاشتند. سپس که از جاشهای حرفه ای طرفی نیستند به مسلح کردن اجباری روستا نشینان پرداختند، و با زور و گناه با تطیع بالاخره توانستند در چند دهکده ای افرادی را برای به اصطلاح دفاع از دهکده خود مسلح نمایند. اما در این مورد هم از آنجایی که پیشمرگان خود فرزندان همان روستائیان و شهر نشینانند و برای دفاع از حقوق آنها اسلحه بی دست گرفته اند، روستا نشینان در مقابل پیشمرگان مقاومتی نکردند و بتدریج اسلحه ها را تحویل حکومت دادند و با حکومت خود از آنها پس گرفت.

در حال حاضر هم با سر باز کیداری وسیع از روستاها و شهرها، ای کردستان و نگهداشتن سربازان که در در خود کردستان، می خواهند جوانان کرد را در حال پاسداری روی پیشمرگان کرد قرار دهد، که این قصد فاشیستی هم با هشتمین موضوع

دیدار سران حکومت آخوندی از کردستان

نظیر دیگر توطئه‌های رژیم با ناکامی روبرو خواهد گردید .

بدون شك در شرایط کنونی یکی دیگر از مقاصد آخوندی آن است که برای اجرای نقشه استخدا مـ مجبور محلی از وجود پناهندگان آواره کرد عراقی هم استفاده نمایند . همانطور که می دانیم در این اواخر تعداد پناهندگان کرد عراقی در ایران افزایش یافته است . نخستین استفاده رژیم آخوندی از این پناهندگان ، البته استفاده تبلیغاتی است . آخوندی ها درحالیکه در کردستان ایران به کشتار و اعدام و شکنجه کردها مشغولند روزی نیست که از رسانه های گروهی خبری در مورد کردهای پناه نمانده پخش نمایند و نسبت به آنها با دلسوزی نشان ندهند . اما در واقع کردهای پناهنده در ایران بصورت افراد دارای حقوق يك پناه نمانده بسر نمی برند . بلکه آنها را در اردوگاههایی محصور کرده اند که بی شباهت به زندان اسیران جنگی نیست . کردهای پناهنده بی ابتدائی ترین وسائل زندگی در محدوده های بسیار تنگ بسر می برند و آخوندی ها با استفاده از این وضع یعنی با تحت فشار قرار دادن پناهندگان از نظر مالی و امکانات زندگی . می خواهند وادارشان نمایند که بعنوان مزدور اسلحه بردارند و به جنگ پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران بروند تا الزامات و رفاه بیشتر برخوردار گردند .

که البته با اعمال فتنه های شدید فاشیستی بر مردم عادی کردستان نیز همراه است تا آنان را از همکاری بسا جنبش بازدارند . و همانطور که اشاره شد در سفر مقامات رژیم به کردستان مورد بررسی و مطالعه از نزدیک قرار می گیرند . اما بنگرید که این مقاصد شد خلقی را چگونه در لانه عوامفریبی و ریاکاری می پوشانند :

آخوند خاضه ای رئیس جمهور رژیم ، روز ۱ / ۸ / ۷۷ در مهاباد خطاب به خبرنگار رادیو تهران گفت : " بمنظور بازدید از شهر ادب دوست و فرهنگ پذیر ، مردم مؤمن و علاقمند (۴) مهاباد به این شهر سفر کرده ام و از اینکه با برادران کرد خود دیدار می کنم ، خوشحال هستم . در میان بدین وسیله از برادرانی که سالها دچار معضلات ازسوی ضد انقلاب بوده اند بخاطر حمايت و وفاداری شان به جمهوری اسلامی قدرانی گنم ، زیرا در این منطقه سرباران خوبی که عمدتاً از جوانان بومی این منطقه هستند . در راه پاسداری از انقلاب اسلامی جان بازی کرده اند و . . .

میرحسین موسوی هم با جملاتی از این قبیل از بازسازی کردستان و برنامه ها تیکه در آینده بسایر باز داری این خطه در دست دارند سخن گفت . لیکن واضح است که مردم کردستان وقتی که سخنان رئیس جمهور حکومت آخوندی را می شنوند بلافاصله فرمایشات معترضانه شاه دیکتاتور به ذهنشان متبادر می گردند . چرا که سخنان آخوند خاضه ای و محمد رضا شاه هر دو ریشه در یک آنجور دارند و آن همشونیم فارس

دیکتاتوری و استقلال!

معنی " استقلال " می تواند دارای پایه ای اصولی و منطقی باشد ، عدم تعهد یا استقلال سیاسی است . اما برای عدم تعهد یا استقلال يك شرط اساسی لازم است که آن هم دموکراسی است . در کشورهای نظیر ایران حکومتی دیکتاتور اگر هم در آغاز بتواند ظاهری مستقل بخود بگیرد ، بدون شك از جهت سیاسی نخواهد توانست برای مدتی طولانی استقلال خود را حفظ کند ، هر چند در این باره شعارهای پر طعن و توهین لاف زنیهای فریبنده بپردازد . دلیل این کار واضح است : هر حکومتی در هر کشوری بناچار باید منبع و پایگاه برای نیرو و قدرت خود داشته باشد . برای حکومتهای دمکرات این تکیه گاه عبارت است از توده های مردم . یعنی اینگونه حکومتها به مردم خود متکی اند . اما حکومتی که اتکال خود به مردم خود نیست ، بناچار باید به نیروی دیگری متکی گردد و گرنه بدون تردید عمرش بدرازا نخواهد کشید . ما مثال حکومت دیکتاتوری شاه را در کشور خود دیده ایم ، و انواع دیگر حکومتهای دیکتاتوری را در آمریکا ، آفریقا و آسیا هم می بینیم که جلوت . به برای حفظ و بقای حاکمیت خود سرانیشان نسبت به مردم کشور ، خود را وابسته حکومت یا حکومتهای نیرومند خارجی ساخته اند .

در دنیای پر پیچ و خم امروزی آن ساله اساسی که می تواند استقلال واقعی سیاسی را در کشورهای نظیر

“ ایندرقاش ” و مبارزه ضد استکباری !

بهنگامی که جنگ ایران و عراق ماههای نخستین خود را سپری می کرد ، و در فضایی که نخستین سالروز اشغال سفارتخانه آمریکا در تهران بوسیله حزب اللهیان با اصطلاح دانشجوی پیروخط امام نزدیک میشد ، عوامل رژیم در کردستان با جدیت تمام سرگرم آن بودند که با استفاده از سرو صددای جنگ تازه آغاز یافته ایران و عراق ، و در میان داد و فریاد های سالروز اشغال “ جاسوسخانه ” آمریکا ، جنبش کردستان را با استفاده از همه نیروی خویش سرکوب کنند ، و از طریق کشتار و قتل عام مردم کردستان چنان رعبی در دل این مردم بیفکنند که برای همیشه از خواستههایش دست بردارد .

در واقع کشتار و قتل عام مردم و مشایخه مردم کردستان یکسال و نیم پیشتر ، یعنی از نخستین روزهای بهار سال ۵۸ با تحمیل جنگ به خلق کرد آغاز گشته بود . رژیم آخوندی در همان حال که با استفاده از نیروی نظامی شهرها و روستاهای کردستان را یکی پس از دیگری در آتش و آیین غرق می کرد ، اختیارات و صلاحیت کاملی عم برای تسلط نام مردم این خطه به جنایتکاری

غربی واگذار کرده بود . اینان که در مکتب نظام شاهنشاهی و ساواکش بخوبی با اعمال ضد خلقی و توطئهگری آشنایی یافته بودند ، بسیار ماهرانانه برنامه های خود را تنظیم و پیاده می کردند .

در ابتدا آتش یک جنگ خونین بین د و خلق برادر کرد و آذری را در نغده روشن کردند ، سپس نیروی سرکوب رژیم را برای با اصطلاح پشتیبانی از آذری های بعضی از مناطق کردستان بجان مردم کردستان انداختند . سپس از فرمان جهاد “ امام ” شان علیه خلق کرد این قتل عام بصورت یک واجب مذهبی در آمد ، و هنگامیکه سال بعد جنگ ایران و عراق آغاز گردید از آن بعنوان سرپوش مناسبی برای پوشاندن جنایتهایشان استفاده کردند .

افکار عمومی به جنگ بین د و کشور چشم دوخته ، و جنگ کرد ستار ، در کرد و بغار ایمن جنگ از نظرها دور شده بود . در چنین شرایطی هر روزه نقشه قتل عام ساکنان چند روستای کردستان طرح و اجرا میشد ، برای این خونریزی نام مناسب “ پاکسازی ” را هم یافته بودند ، و بدین ترتیب میدان داده بودند تا

احساس حیوانی خود را ارضاء کنند ، و هم از راه غارت و مصادره اموال زحمتکشان کردستان ثروتی برای خود بیاندوزند ! پس از نغده ، قارنا ، قلاتان ، محمد شاو . . . نوبت روستای “ ایندرقاش ” رسید . بود . باین روستا که در منطقه مقاوم پیشمرگ پروری چون “ شهرویران ” واقع شده است ، بویژه بیابست یک در سر فراموش نندانی داده شد . برای اینکار نگران کمبود نیرو هم نبودند . لشکر ۶۴ ارومیه با همه امکانات و تجهیزات خود در اختیار کیهنچی های ارومیه ، نغده ، و “ محمد یار ” قرار داشت .

صبح روز سیزدهم آبانماه سال ۱۳۵۹ ، در رست در آنگام که در تهران مراسم جشن و نظائرات بمناسبت سالگرد اشغال “ جاسوسخانه ” آمریکا با چرا در می آمد ، صد ها همه بدست و ژ-۳ بدوش به همراه گروهی پاسدار و ارتشی و مجهز به تانک و شلوپ روستای “ ایندرقاش ” را کشته در چند کیلومتری شهر مهاباد در کنار جاده مهاباد به میان دو آب قرار گرفته است . محاصره کردند . مردم روستا که به هدف اینکار بلافاصله پی برده بودند بفرار افتادند . لیکن راههای فرار اغلب بسته شده بودند ، و در نتیجه عده زیادی بناچار در روستا باقی ماندند .

بسیار زود دسته های لشکریان

دیکتاتوری و استقلال!

ایران تضمین نماید "دمکراسی" است و نتیجه بی چون و چرای استبداد و خودسری جز وابستگی نیست. حتی از لحاظ اقتصادی نیز که گفته شد خودکفایی مفهوم روشنی ندارد این دمکراسی است که نقش مؤثری ایفا می کند. هیچ کشوری نمی تواند از برقراری مناسبات اقتصادی یاد بگیرد کشورها امتناع کند. اما برای اینکه اینگونه مناسبات به وابستگی تبدیل نشود، لازم است مردم کشور در امور اقتصادی و تولیدی فعالانه و از روی احساس سوء لیت شرکت جویند. این منظور صورت عمل بخود نمی گیرد مگر در فضای دمکراتیک. یعنی هنگامی که مردم حکومت را برگزیده و نماینده خود بدانند و حیر کنند که شرکتشان در اداره امور کشور مؤثر است. مثال کشور بزرگ و پیشرفته اتحاد شوروی را پیش چشم خود درآید می بینیم که چگونه در دوران اتحاد شوروی برای فایز آمدن هر مشکل اصلی کشور که مشکل اقتصادی است قیاس از هر چیزی بکشند از راه سیاسی مشکل را حل کنند، یعنی از اقتصاد سیاسی گسترش دمکراسی سیاسی به هدفهای اصلی خود که توسعه اقتصادی است نایل آیند.

تجربه ملت های جهان امروز بروشنی نشان می دهد آن درازی سحر آمیزی که می تواند شفا بخش ناراحتی های زندگی سیاسی و اجتماعی باشد دمکراسی است. رژیم خود سسر و ضد خلقی آخوندی که روز به روز بیشتر از نوده های مردم فاصله می گیرد بسا بقیه در ص. ف. ۸

کند! از اینرو بعد از مدتی کوتاه، دارودسته برای "مصادره" اموال ضد انقلاب براه افتاد و لشکر اسلام همه خانه های روستا را اشغال کرد! دیگر هر کس که در نظر ظاهر می شد کارش تمام بود. مرتباً جسد بود که بر روی زمین می افتاد: ده بیست، سی، چهل، پنجاه... تعداد کشته شدگان مهم آن بود که تمام زندگان به صفر برسد و کسی زنده نماند. کمیته چپ ها به میل خود فرش، رادیو و وسایل منزل پارسی کردند، و آنچه را که نمی پسندیدند با آتش می کشیدند. بنابراین که اطمینان یافتند که دیگر کسی زنده نمانده است، چپیزی هم که قابل مصادره باشند باقی نیست، و روستاهم بنامی در آتش میسوزد، از روستا دور شدند تا این کار را چهار روز بعد در روستاهای "کولج" و "صوفیان" و در روز بعد از اینها در روستای "سروکاهی" و در منطقه پیرامون تکراد کنند.

لشکر از صحنه "جنگ" بازگشت و جسد ۵۴ نفر از زن و بچه و پیر و جوان را در روستای ویران و غارت شده برجسای گذاشت!

اکنون که هست سال، از این رویداد می گذرد، و رهز سیزدهم آبان ماه بعنوان روز ملی مبارزه با استعمار جهانی تعیین شده است. مقامات رژیم ضد

دست بر روی ماشه تفنگ در کوچه ها و معابر روستا به رفت و آمد پرداختند و بضر بقتداق تغنگ بردان روستا را بسوی مسجد راندند. در چند متری اطراف روستا سرودها و شعارهای اسلام می از بلند گویا پخش میشد، و اندکی دورتر تانکها و توپها لوله های خود را بسوی آبادی نشانه گرفته بودند. در مسجد که از جبهیت روح میزد صدای ناله و فریاد لحظه به لحظه بلندتر میشد. مردان روستا از پیرو جوان مورد ضرب و شتم و شکنجه فرار گرفته بودند، و هر یک از پاسداران اسلام سعی می کرد زودتر و شدیدتر "کفار" را مضروب کند و ثواب بیشتر از نصیب خود نماید. اسلحه کویا بچه دلیل اسلحه در نزد خود نگه داشته ای؟ تا

چند نفر یادار را بسا سوال از این جیب به دست می دادند و ضرب و شتم در تمام آمیخته بودند. در این میان چند نفر مد عرش شدند که در زیر ضرب پوتین ها دیگر برهوش نیامدند و برای نمیشد پیشم از این دنیای وحشی فرو بستند. چند نفری که اسلحه در خانه داشتند به امید خلاصی، سلاحهای خود را بناچار نه و بیل دادند. لیکن خلج و

ادعای آزادی فعالیت سیاسی!

در این اواخر چندین بار مطالبی از سوی برخی از مقامات رژیم جمهوری اسلامی عنوان شده است مبنی بر اینکه حکومت اسلامی در نظر دارد فعالیت احزاب سیاسی را آزاد بگذارد مشروط بر اینکه موازن اسلامی را رعایت و در کار دولت کارشکنی و دسیسه چینی نکند، از آنجا که در شرایط حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و با توجه به ماهیت و عملکردهای این رژیم، در امر "آزادی فعالیت احزاب سیاسی" که تنها جزئی از مسأله آزادبهای مکرانیک است جای سخن بسیار است و باید دید که سران رژیم تحت چه شرایطی به طرح این مسأله پرداختند و از مطرح کردن آن چه هدفی را دنبال میکنند.

ده سال است که جمهوری اسلامی جامعه ایران را با اندیشه قرون وسطایی و در مسیری قرون وسطایی راه میبرد، آثار این حاکمیت شوم برای مردم ایران چیزی نبوده است جز: سلب هرچه بیشتر آزادیها و تدوین دیکتاتوری - ایبار از نوع مدعی - زندانی کردن و شکنجه و اعدام در کرانه یشان، کشتار و بگشتن دادن گروه گروه از مردم کشور، و فرو بردن جامعه ایران در غلبت جهل و تاریک اندیشی و سیه روزی، گرانباری شکستهای فاجعه بار این رژیم در ادامه جنگ احمقانهاش با عراق برای مردم ایران چنان است که نرمیم خرابیها و حیران تلفات انسانی و زدودن آثار محبتناک و انسانی اقتصاد و فرهنگ

و اجتماعی و بگردن آوردن دوباره چرخهای امور بگونه ای که مملکت را تازه به جایی برساند که در آغاز انقلاب در آن قرار داشت، و بسه سالها وقت و تلاش خستگی ناپذیر نیازمند است.

واقعیت آنستکه رژیم فقط در پی ناتوانی خود در مدور انقلاب اسلامی و سرخوردگی از مدد رسانان غیب و در هر اسرار خیزش بوده های ناراضی و بجان آمده از جنگ، ویرانی، بیگاری و گرسنگی بود که با فطنه نامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد موافق نشان داد و به آن رژیم نخواستگی در داد و انگار که مدیونان دست و پا می زند تا حکومت لیزان خود را که آشکارا در خطر سقوط قرار گرفته است به ترتیبی هست برپا نگذارد.

مسأله آزادی فعالیت احزاب سیاسی در چنین شرایطی است که مطرح می گردد، اما همه گسرمیدانند که آزادی فعالیت احزاب سیاسی در هر رژیمی هنگامی میسر است که آن رژیم بتواند عقاید و سخنان مخالفان خود را تحمل کند و شرایطی فراهم آورد که چهارچوب آن مخالفان بتوانند اندیشه های خویش را بدون ترس از تعقیب و مجازات، آزادانه ابراز دارند، یعنی در شرایطی که در کشور مکرانسی مستقر گشته و آزادبهای مکرانیک تضمین شده باشند و این، با توجه به ماهیت و عملکرد ناگونی رژیم آوردنی اسری تصور ناپذیر می نماید، چراکه رژیم آخوندی در هر صورت

بایی خود تا بحال پیوسته بر خلاف این امر عمل کرده است.

آخوند ها پس از موفقیت در مرحله براندازی رژیم پیشین، همیگه قدرت را بدست گرفتند آنها در جهت خلاص مصالح توده های زحمتکش ایران بکار بردند، و بتدریج شکام با استحکام موقعیت خود دستاوردهای انقلاب را یکی پس از دیگری پایمال نمودند، اثری از آزادبهای مکرانیک باقی نگذاشتند و در بد ارس و دانشگاهها را بروی جوانان طالب علم بستند، مفرز آنها بسته دیدن خرافات کرد، احزاب سیاسی را یکی بعد از دیگری غیر قانونی اعلام کرده تحت تعقیب قرار دادند، با اینکه برخی از این احزاب سالها بود در مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی پیشناز بودند و از جان بهترین افراد خود برای اینکار مایسه گذاشته بودند و خلفهای تحسستم را بجرم طلب ابتدایی ترین حقوق انسانی و ملی خود بخون کشیدند تا همچون گذشته در اسارت باقی بمانند و بطور کلی روشن اندیشی را ممنوع و جامه را در تاریکی اندیشه های قرون وسطایی فرو بردند. حال با این ویژگیهای که رژیم آخوند ها تا بحال از خود بسروز دارد است آیا میتوان امیدی به ناهین آزادبها از سوی آن داشت؟

حکومی که خود را مبعوث خدا میداند و حاکمیت خویش را حاکمیت الله تلقی مینماید چگونه میتواند با مفهوم امروزی مکرانسی - که حاکمیت را تنها ناشی از مردم می نماند - موافقتی داشته باشد؟

معنی ولایت فقیه آنست که ولایت فقیه برگزیده خداست و وظیفه

دیدار سران حکومت

آخوندی از کردستان

حاکم بر ایران است ، محمدرضا شاه هر وقت به کردستان سفر می کرد ، یکی از اعوان و انصارش را می فرستاد ، فرزندان انقلابی خلق کورد را متجاسر یا عوامل امپریالیزم سرخ و سیاه می ناسید . اکنون هم آخوندی خاضعهای همان العاب و صعات را به فرزندان انقلابی کرد نسبت می دهد و آنان را ضد انقلاب و عوامل استکبار جهانی می نامد . وگرنه ، آیا برای قدردانی از مردم کردستان بود که بلافاصله بعد از آتش بس با عراق ، به اعدام زندانیان کرد ، حتی آنهایکه دوره زندانشان هم مشخص شده بود پوداختند ؟ برای قدردانی از مردم کردستان است که این خاله از زندان شاه هم عقب مانده تر و بیران تر شده است ؟ آخوندی ها برای قدردانی از مردم کردستان ، کدام مؤسسه یا کارخانه صنعتی یا بیمارستان یا دانشگاه و مرکز علمی در آن بنا کرده اند ، وجه حق و حقوقی برای کردها در این جمهوری اسلامی خود قائل شده اند ؟

ادعای آزادی فعالیت سیاسی!

دارد بجای مردم بیاندیشند و بر آنان حکومت کند . برای مردم جایز نیست در اندیشه های ولی فقیه چون و چرا کنند . آنان باید منزه های خود را از فکر کردن و خلاقیت باز دارند و تنها اندیشه های ولی فقیه را کس در تاریکیهای قرون گذشته سیر می کند راهنمای خویش قرار دهند . طبیعتی است که حاکمانی با این طرز تفکر نه تنها آماده نمی شوند دیگران را در قدرت خود سهیم گردانند بلکه حاصل هرگونه دگراندیشی هم برای آنان غیرقابل قبول خواهد بود . در اینگونه رژیمها قوانین بدون شری در تعارض با اندیشه های که آسمانی انگاشته می شوند قرار گرفته ، ارزش و اعتبار خود را از دست می دهند . بدیهی است که ظاهرا در جمهوری اسلامی هم قوانین مدونی وجود دارند که باید مسیر شناخته شوند . اما عملا هر کجا که مصالح

آخوندی ها اقتضا کرده است نادیده گرفته شده و زیر پا نهاده شده اند . سر تا سر عمر جمهوری اسلامی مسلو از مواردی است که این قوانین و حتی حقوق طبیعی انسانها در برابر خواست و اراده آخوندی به بهانه احترام به شریعت الهی نقض گشته اند . با چنین وضعی ایوزیسیون قانونی در رژیمهایی چون رژیم جمهوری اسلامی معنایی نخواهد داشت . زیرا افراد و سازمانهای ایوزیسیون یا خارج از چهارچوب ولایت فقیهند ، که در آن صورت تغییر قانونی و در زمره دشمنان رژیم بشمار میروند ، و یا قانونی هستند که در اینحال نمی توانند معنای واقعی ایوزیسیون قانونی را داشته باشند . زیرا که مخالفت با حکومت ولی فقیه ، مخالفت با اراده خدا تلقی خواهد شد . چنین مخالفانی ناگزیر دیر یا زود به صف مخالفان غیر قانونی رانده شده ، تعقیب و مجازات خواهند شد . اشاره های کوتاه به سرنویشت گروه آقای مهدی بازرگان بعینه در صفحه ۱۰۰

“ ایند رقاش ” و ...

استکباری آخوندی بیاوریم که نکند در جشنها و مراسم این روز رویداد ایند رقاش را فراموش کنند ! قتل عام ایند رقاش نمونه برجسته ای از مبارزه ضد استکباری پاسداری اسلام است و حیفا است که در زیر پوشش مربوط به سر و صدای اشغال جاسوسخانه امریکا در تهران از نظر عام مذهبی

دیکتاتوری و استقلال!

کدام نیرو و امکان ، و کدام پشتیبانی خواهد توانست حاکمیت سیاه خود را ادامه دهد ، بحر نیرویی که از خارج آن را حمایت کند و امکاناتی که از سوی این پشتیبان خارجی در اختیار آن

براستی پرسیدنی است که کارگردانان رژیم آخوندی با ایوان پاره کتیبها و دروغبافیها می خواهند دیگر چه کسی را بفرینند ؟ و با ادامه پیمودن راههایی که ۱۰ سال است برای سرکوب جنبش کردستان در پیش گرفته اند و بی فایده کی آنها بر همه معلوم شده است می خواهند به کجا برسند ؟

میدانی وسیع

برای مبارزه!

نزد يك به ده سال است که خلق قهرمان کرد در کردستان ایران مبارزه، همه جانبه‌ای را علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی راه می‌برد. این مبارزه، وسیع‌گه در راه متحقق ساختن آزادی و دموکراسی در سراسر ایران و تامین حقوق ملی برای خلق کرد بانجام می‌رسد، هرچند شیوه‌های گوناگونی داشته، اما شکل مهم و اساسی آن عبارت بوده است از مبارزه مسلحانه.

اینکه چرا خلق کرد راه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفته روشن است. رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز کار بجای توجه به خواسته‌های خلق کرد و اقدام برای ملی ساختن این خواسته‌ها، راه سرکوب را در پیش گرفت و جنگی نابرابر را برای خلق تحمل کرد. در این راه حتی فرمان جهاد هم علیه مردم کردستان صادر شد. مردم کردستان نیز بناچار برای دفاع از موجودیت خود و بخاطر تحقق بخشیدن به هدفهای خویش، دست به اسلحه بردند.

بدیهی است که تداوم چشمگیر مبارزه مسلحانه مردم کردستان بیانگر آنستکه خلق کرد آمادگی و توان آن را دارد که با فداکارانه‌ترین شیوه مبارزه کند و آنرا ادامه دهد. اما نباید از نظر دور داشت که اگر فقط باین شیوه مبارزه منکی باشیم و بدانند تنها راه رهایی بر آن تاکید ورزیم و به شیوه‌های دیگر مبارزه بهیچ‌ای لازم را ندهیم مبارزه مسلحانه به

نتهایی نمیتواند اثر بخشی خود را آنگونه که انتظار می‌رود نمایان سازد. عبارت دیگر، مبارزه مسلحانه علیه رژیم آخوندی که تنها زبان زور را می‌فهمد، بدون تردید از میان دیگر شیوه‌های گوناگون مبارزه، از همه موثرتر است. ولی بهتنهایی نمی‌تواند پاسخگوی همه مسایل و فراهم آورنده همه شرایطی باشد که رژیم را بیکیاره بزانود و آورد. از اینرو لازم است، به شیوه‌های دیگر مبارزه نیز که البته تاکنون کم و بیش در کنار مبارزه مسلحانه از آنها هم استفاده شده است توجه لازم مبذول گردد. بنظر ما، شرط اساسی برای بهای لازم دادن به شیوه‌های مختلف مبارزه از سوی تک تک مردم کردستان درک موقعیت تاریخی و جایگاه ویژه کردستان در شرایط کنونی است. بدون شک اگر ایمن موقعیت سهم بخوبی درک گردد، هر کسی از مردم کردستان در برابر وظیفهای که جنبش انقلابی کردستان بر عهده‌تر گذارده است، بهتر احساس مسولیت خواهد نمود. آنگاه باقتضای شرایط ویژه زندگی خویش و ایمن مبارزه همگانی فعالانه‌تر شرکت خواهد جست.

این موقعیت تاریخی ویژه چیست؟ نخستین نکته مهم در این رابطه اینست که، میدانیم خلق کرد برای آزادی و دموکراسی سراسر ایران مبارزه میکند. در این مبارزه البته تمامی خلقهای ایران و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ایرانی سهیمند اما در میدان عمل نقش اصلی برعهده کردستان افتاده است. خلق کرد بدلیل برخوردار بودن از درجه بالایی از

شعور سیاسی و سابقه مبارزاتی طولانی

جوهر حکومت جمهوری اسلامی را خیلی زود شناخت، و تحت سازماندهی و رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، در حالیکه هنوز در سایر بخشهای ایران توهمات نسبت به رژیم وجود داشت کردستان را به سنگر مقدم مبارزه بخاطر آزادی و دموکراسی مبدل ساخت.

نکته دیگر اینست که جنبش انقلابی کردستان البته جنبشی ملی است و خواهان خود مختاری برای خلق کرد می‌باشد. اما این خواسته نیز گرچه ظاهراً تنها برای خلق کرد است در حقیقت ره‌کشای حل مساله ملی برای دیگر خلقهای تحت ستم و محروم از حقوق ملی چون آذری، بلوچ، عرب، ترکمن و... نیز هست.

همانطور که می‌بینیم جنبش کردستان در هر دو زمینه دموکراسی و نامیدن حقوق ملی منبع اسیدی برای همه خلقهای ایران شده است. مقام و موقعیت ویژه‌ای که خلق کرد بایمن خاطر در میان سایر خلقهای ایران کسب کرده، هرچند سرفرازی بزرگی برای خلق کرد محسوب نمیشود، اما هم این نتیجه را بدنبال داشته که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بسا تمام نیرو به شدت شمل و اعمال فتنه‌ار بر خلق کرد و سرکوب جنبش آن وارد شده و هم وظیفه ساکنان کردستان را برای ادامه و به ثمر رساندن مبارزه مقدشان سنگین تر کرده است.

اما وظایفی که برعهده مردم کردستان است بخشی مستقیم‌ادر ارتباط با مبارزه مسلحانه فرار نمیگیرند و بخشی دیگر با شیوه‌های دیگر مبارزه

بستگی پیدا می کنند .

بخش نخست ، یعنی وظایف نسبت به مبارزه مسلحانه و نیروی پیشمرگ یکی دوتا نیست ، این وظیفه البته از آمدن در صف پیشمرگان و برداشتن سلاح بخاطر دفاع از شرافت و کرامت خلق کرد آغاز می شود . هرکس که بخواهد و بتواند چنین راهی را انتخاب نماید توانسته است در سنگر مهم و مقدم مبارزه قرار بگیرد . این وظیفه بویژه برعهده جوانان کوردستان است و تمامی خانواده های دلسوز و میهن پرست باید بکوشند تا جوانان خود را بموضع رقتن بسه سربازی و بجای آنکه رژیم آنها را همانند جاشر مورد استفاده قرار دهد ، بسه رقتن در صف پیشمرگان راهنمایی و هدایت کنند .

سپس همکاری با نیروی پیشمرگ و فعالین حزب بعنوان یکی از اساسی ترین وظایف امروزی مردم کوردستان مطرح است . چنین همکاری ای میتواند اشکال گوناگونی داشته باشد : از تامین خوراک ، پوشاک و سایر وسایل گرفته تا با خیر ساختن پیشمرگان از تحرکات با حملات و کمین های دشمن باز رهنمایی کردن آنان به هنگام رقتن از جایش به جای دیگر ، مخفی ساختن در موارد لازم ، با جمع آوری اطلاعات در به راه پانگاه ها و اردوگاه های نیروهای رژیم ، معرفی کردن جاسوسان و خود فروشان ، شناسایی انبارهای مهمات ، وسایل و سوخت رژیم برای اینکه نیروی پیشمرگ در فرصت مناسب

بمهم خود قادر بانجام آن ها است ، کسانی که بخواهند همکاری منظم و تشکیلاتی با حزب داشته باشند میتوانند بابتکار خود قدم های اولیه را برای این کار بردارند . آنها میتوانند با همکاری نزد یگویی و معتمد ترین رفقای خود هسته های کوچک تشکیلاتی بوجود آورند تا همان وظایفی را که برعهده هسته های کوچک و اولیه حزب اند بانجام برسانند ، و بعدها در موقع مناسب با تشکیلات حزبی ارتباط پیدا کنند .

بخش دیگر وظایفی است که باید در شیوه مبارزه منفی و جنبه های دیگر مبارزه سیاسی تجلی کنند .

از این لحاظ نیز توده های مردم کوردستان بویژه مردم سراسر ایران بطور کلی میدان وسیعی در پیش رو دارند ؛ در شیوه مبارزه منفی هرکس به طریقی میتواند مخالفت خود را با رژیم و دلسوزی خود را نسبت به جنبش نشان دهد . این واقعیت را بایستی درک کرد که چنین شیوه مبارزه ای رژیم را تحت فشار وسیعی قرار خواهد داد ، زیرا که خود را در برابر تمامی مردم خواهد یافت . بنابراین مردم کوردستان در هر فرصتی باید به عوامل و افراد رژیم نشان دهند که از آنان بیزارند و این نفرت و بیزاری خود را به اشکال مختلف بنمایش بگذارند . پیش از هر چیزی باید دست اندرکاران و مسزوران رژیم بایکوت شوند ، با آنان آمد و رفت برقرار نگردد ، تا حد امکان از تامین نیازمندی های آنان احتساب شود و تقاضای آنان در این مورد به بهانه های

ادعای آزادی فعالیت سیاسی!

(نهضت آزادی) خود گویای این واقعیت است . آقای بازرگان را که در سالهای اول انقلاب نخست وزیر رژیم خمینی بود همه می شناسند ، و در مراتب سربراهی وی برای خمینی و اعتقادش به مبانی نظام جمهوری اسلامی کسی نمی تواند شک کند . اما در ایران خمینی هیچ قانونی وجود ندارد تا این موجود مؤمن و بی آزار را که میخواهد در نقش اپوزیسیون قانونی عمل کند در برابر جاقو کشتان رژیم ، بخاطر انتقادهای آبی که گاه و بیگاه به مواضع و عملکرد های حکومت وارد می آورد ، در بنای خود بگیرد و از وی حمایت کند . گاهی مفسران سازمانش مورد تجاوز و غارت قرار می گیرند ، و زمانی خود او بوسیله عمالطاراننش را با سرو کله شکسته و با اهانت و خواری بزند ان می افتند .

همانطور که در آغاز گفته شد واقعیت آنستکه چاره اندیشی رژیم برای فرار از ننگنامه های موجود از شکست های وی در زمینه های مختلف نظامی و سیاسی و واژندظوری که از درون کشور اوظطرده مردم بهمان آمده ایران احساس می کنند ناشی می شود . این چاره اندیشی ها حکومت جمهوری اسلامی را به اتخاذ سیاست های تازه ای چه در سیاست داخلی و خارجی و چه در سیاست اخلاقی وادار ساخته است .

" آزادی فعالیت احزاب سیاسی " عکس العمل ریاکارانه رژیم نسبت به تهدیدی است که منبع آن توده های مردم ایران است که هیچ ناراضی تیبها

آنها دائم در حال افزایش می باشد . اما بدیهی است که ترفند جدید رژیم دایر بر امکان با اصطلاح آزادی احزاب ، بمنزله در پیچه اطمینانی برای جلوگیری از انفجار خشم توده ها ، کسی را نمی فریبد و مردم را در باره ماهیت رژیم در چار نوه هم نمی سازد . چرا که همه می بینیم همزمان با توهم پراکسی در مورد امکان آزادی فعالیت احزاب سیاسی و در زیر پرده ایس فریادگری جلادان رژیم زندانیان سیاسی را بدون رعایت مراحل دادرسی قضایی می کنند ، که نام دهها تن از این اعدام شدگان از سوی سازمانهای اپوزیسیون ایرانی منتشر شده و سازمانهای بین المللی هم نسبت به این اعدام های بیرویه اعتراض کرده ، افکار عمومی جهان را از آن آگاه ساخته اند .

در پیش گرفتن سیاست نرمش و نزدیکی با حکومت های امپریالیستی نیز گرچه در اساس تضادی با ماهیت رژیم ندارد اما بصورت سیاهچه آمیز کجونی نشانی دیگر از وضعیت رژیم از نارضایتی عمیق مردم ایران است .

البته رژیم حتی قبل از قبول آنش پس و درگیر بود از جنگ با عراق با " شیاطین " بزرگ و کوچک برای خریدن اسلحه سرویسری داشت . اما اینک آشکارا در مسیر سازش با امپریالیستها گام نهاده و تمامی ادعاهای با اصطلاح استکباری خود را بدست فراموشی سپرده است . ریشه این تغییر جهت بطاهر ناگهانی رژیم را جز در بریدگی

حامیان و پشتیبانانی در میان دول خارجی کرده است . بدیهی است که امپریالیستها نیز چنین گرایش را تشویق و از آن با طیب خاطر استقبال می کند . چرا که سالها در انتظار این لحظه روز شماری کرده و حتی خواری هایی را هم تحمل کرده اند برای استعمار و غارت مردم جهان سوم در کجا همه سعی بهتر از رژیم های خود گامه مظفر جمهوری اسلامی میتوان یافت که زیر جنر دین و تحریریک احساسات توده های ساده اندیش می دهد می بتواند به سرکوب آزاد اندیشان و آزادی خواهان بپردازد ، بدون آنکه امپریالیستها را در چار تشویق کند و خدشه ای به صافح آنان وارد آورد ؟

با وجود همه آنچه گفته شد اگر رژیم برای خروج از بن بستهایش و برای حفظ خویش مجبور به نرمی در زمینه آزادیهای دموکراتیک ، مثلاً آزادی فعالیت احزاب سیاسی گردد ، شکی نیست که آنها با چنان قیود و شروطی مقید خواهد کرد که فعالیت آزاد در چارچوب آنها غیر ممکن سازد . گذاشتن شرطهایی چون " کارشکنی و دسیسه چینی نکردن در کار دولت " بخاطر آنست که به بهانه مفاهیم ناروشن " کارشکنی " و " دسیسه چینی " که البته ملامت و معیار شخیص آن نیز تفاوت خود آخوند عباس است ، میدان فعالیت احزاب مجاز احتمالی را تا آخرین درجه ممکن محدود کنند و هر وقت خواستند جلو فعالیتشان را بگیرند ، آنها را منلاشی نمایند .

میدانی وسیع برای مبارزه!

مختلف فرد کرده و در یک کلام از هرگونه همکاری و مساعدت با آنان پرهیز بعمل آید . سپر نشسته ها و اجتماعات برگزار شده توسط رژیم یا باید تحریم گردند یا اینکه شرکت در آنها بمنظور ابراز نارضایتی و بصیخره گرفتن باشد . از شرکت در نمایشات برپا شده از سوی رژیم از قبیل نماز جمعه یا میتینگ و تظاهرات فرمایشی دیگر باید حذر نمود .

باره کردن و پایین آوردن اعلامیه ها و پوسترهای رژیم از در و دیوار ، جواب رد به تقاضاهای کمک از سوی رژیم ، ایجاد فضای ترس و وحشت در میان افراد رژیم ، تلاش در ایجاد و یا تشدید اختلاف و دسیسه های در میان نیروهای سرکوب و ارکانهای مختلف حکومت ، کوشش برای واداشتن جاشها و سربازان به زمین گذاشتن سلاح ، همگی از روشهایی اند که میتوانند بسیار مؤثر باشند ، اجرا نکردن بعضی دستورات و مقررات رژیم نظیر عدم رعایت حجاب اسلامی ، طرز لباس پوشیدن ، گوش دادن به موسیقی و انجام برخی بازیها نیز شیوه دیگری از اینگونه مبارزه اند .

از نظر سیاسی ، هدف دردی خانواده زندانیان سیاسی ، رسیدن به وضع مادی خانواده ، نگهداری پیشمرگان ، رفتن بر مزار شهیدان در روزهای حشان و در هم فروردین

چند خبر مهم ایران و جهان

آزادی فعالیت احزاب سیاسی!

۱۷/۷/۳۰

آخوند محمد ری شهری وزیر اطلاعات و امنیت کشور اعلام داشت احزاب سیاسی میتوانند فعالیت خود از سرگیرند. ولی شرط این امر آنست که در کار دولت کارشکنی نکنند و از توطئه چینی و دسیسه علیه رژیم خودداری ورزند.

x x x x x

توسیه مشکینی به مسئولین دولتی!

۱۷/۸/۱

آیت الله مشکینی از سرچنبانان مهم رژیم و رئیس مجلس خبرگان که در نمایش روز جمعه برابر مردم قم سخن می گفت چهره های د مکراب بخود گرفت و ریاکارانه به مسئولین دولتی توصیه کرد در برخورد با انتقاد از خود انعطاف نشان دهند. وی همچنین اضافه نمود هیچ گروهی نباید طرز تفکر خود را وحی منزل تلقی کند و افزود جامه های کهنه بدون انتقاد سازنده باشد به حد کمال نخواهد رسید!

x x x x x

اختلاف ایران و عراق در اوپک!

۱۷/۸/۱

۸ کشور عضو اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت) بمنظور مذاکره و تحصیل توافق در مورد سهمیه بندی تولید نفت اعضای این سازمان، و اعاده ثبات به بازارهای نفت بین المللی گرد هم آمده بودند به سبب مخالفت نماینده ایران با پیشنهاد سهمیه تولید مساوی ایران و عراق با شکست روبرو گردید. ایران میخواهد تنها بشرط آنکه مصرف داخلی ایران و عراق در سهمیه تعیین گردیده از سوی اوپک منظور نشود، این کشور بتواند به میزان مساوی نفت صادر نماید.

x x x x x

تغییر در سیستم سیاسی و انتخاباتی شورای وری!

۱۷/۸/۱

رئیس بومسکو گزارش داد که در سیستم انتخاباتی و نیز سیستم سیاسی آن کشور تغییرات اساسی ایجاد خواهد کرد. به موجب این گزارش اصل عمده سیستم جدید انتخاباتی، د مکراتیک بودن جریان انتخابات و قابلیت رقابتی کاندیداها خواهد بود. حق معرفی تعداد نامحدود کاندیداها برای احراز یک مقام در شوراهای ارکان بنای حکومت، و نیز بحث آزاد پیرامون کاندیداها

تغییر در سیستم سیاسی پیشنهاد شده ارگان جدید عالی دولت (کنگره نمایندگان مردم شوروی) تشکیل شود که " تعیین مسائل اساسی مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور در صلاح دید آن خواهد بود " و نیز ایجاد کمیته نگهبانی حقوق در نظر گرفته شده که " فعالیت آن به تحکیم پایه های قوانین و تحکیم حقوق و آزادی های شهروندان کشور معطوف خواهد بود " .

x x x x x

بازتاب اقدامات جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در آمریکا!

۱۷/۸/۲

رویتر گزارش داد که از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا از سازمان ملل خواسته اند فدانامه ای علیه اقدامات دسته جمعیتی در حکومت اسلامی صادر کند و همچنین هیئت را بآن کشور اعزام دارد تا در مورد قتل و شکنجه زندانیان سیاسی تحقیق بعمل آورد. و گزارش تهیه کند.

x x x x x

خانهای در کردستان!

۱۷/۸/۲

سپد ملی خانه های روستایی جمهوری ایران در دستار خود از آذربایجان غربی برداشته ان طی سه تنای در سندان مدعی

شد در اثر فداکاریهای نیروی مسلح اینک در کردستان امنیت کامل حکمفرماست. وی مبارزه پیشمرگان خلق کرد را بسیار تحویل خود مختاری، توطنه استکبار جهانی بمنظور تجزیه ایران خواند و گفت استکبار می‌کوشد از مسائلی چون قومیت و شیعه و سنی ابزاری برای تفرقه بسازد؛ در حالیکه جمهوری اسلامی از همان آغاز پیدایش، با پیروی از اصول اسلامی، بین ملیتهای مختلف و پیروان مذاهب گوناگون ساکنین ایران تفاوتی قایل نبود و کلیه مردم کشور را به یک چشم نگاه کرده است!

x x x x x x

رعایت حقوق بشر در ترکیه!

17/8/10

علیرغم اینکه دولت ترکیه بر کنش‌های بین المللی مبنی بر برخورداری از اعمال شکنجه صحنه گذارده است شکمبه بهرستی گسترده در آن کشور ادامه دارد. به گزارش سازمان عقوبت بین المللی طی ۸ سال گذشته ۲۵۰ هزار نفر بدلیل سیاسی در ترکیه دستگیر و اشرأ شکنجه شده‌اند که این امر باعث ازدست رفتن جان شماری از آنان شده است. در این گزارش آمده است که اکثر موارد

کرد نشین آن کشور روی داد است.

x x x x x

وضع حقوق بشر در ایران!

17/8/13

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضع حقوق بشر در ایران گزارشی منتشر ساخت که در آن حکومت جمهوری اسلامی به نقض شدید و مکرر حقوق بشر در ایران متهم شده است. در این گزارش افزوده شده که موج اعمال زندانیان سیاسی در تابستان گذشته جامعه بین المللی را نگران ساخته است.

x x x x x

پیروزی جورج بوش!

17/8/17

جورج بوش نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا بر رقیب خود مابتل د وگاکیس از حزب دمکرات غلبه کردند. جورج بوش طی چهار سال آینده رئیس جمهوری امریکا خواهد شد

بود.

x x x x x

پایان دور سوم مذاکرات ایران و عراق!

17/8/20

بان الباسون نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل پایمان سوئین دور مذاکرات ایران و عراق را اعلام داشت. تنها نتیجه این مذاکرات که از ۱۴/۸/۱۷ بعدت یک هفته ادامه داشت موافقت و کشور برای مبادله اسیران معلول بود. تعداد اسیران معلول ایرانی در عراق ۴۱۱ نفر و اسیران معلول عراقی در ایران ۱۱۱۵ نفر برآورد شده است.

x x x x x

اعلام تشکیل یک حکومت مستقل فلسطینی!

17/8/24

شورای ملی فلسطین در پایان جلسات چند روزه خود در الجزایر تشکیل یک کشور مستقل فلسطین را اعلام کرد.

x x x x x

کمک های مالی خود را به حساب بانکی زیر واریز:

C.C.P. PARIS 68040.M020
FRANCE

و فیش بانکی آن را به این آدرس بپست نمایید:

A.F.K. B.P. 102 . 75623 PARIS
CEDEX 13 FRANCE

میدانی وسیع برای مبارزه!

و فاتحه خوانی افراد هلاک شده رژیم خاری در چشم دشمن خواهد بود .
 معلمان و محصلین در مدرسه ، کارگر در کارگاه و کارخانه ، بازاری در محل کسب ، کشاورز در مزرعه ، سرباز در سربازخانه ، سردان روحانی در مسجد ، و بطور کلی هر قدری از مردم کردستان بهانه و راهی برای ابراز نفرت از رژیم و حمایت از جنبش در اختیار دارد .
 بشروان و گردانندگان این شیوه مبارزه باید به راه پیمایی ، اعتصاب و نظاهرات اهمیت ویژه ای بدهند و با ایجاد دسته های کوچک این سبک مبارزه را چنان سازمان دهند و بمرخاندند که امکان توسعه و گسترش هرچه بیشتر در میان توده های مردم را پیدا کند . بدیهی است فعالان این سبک مبارزه در کردستان میتوانند بهنگام شناسایی از سوی دشمن و خطر دستگیری قورا خود را به نزد پیشمرگان برسانند . هیچگاه نباید از این اصل مهم غفلت کنیم که شیوه های گوناگون مبارزه ، مکمل مبارزه مسلحانه اند و اگر پایبای هم به پیش برده شوند ، شکی نخواهد بود که دشمنان آزادی و پایمال کنندگان حقوق انسانی خلقهای ایران را سریشتر بسوی پرتگاه سقوط و نیستی سوق خواهند داد .

ادعای آزادی فعالیت سیاسی!

آزادی و دموکراسی از حکومت آخوند ها انتظار بهبود های است . تا این جماعت در جامعه ما حاکم باشند دیکتاتوری و اختناق هم باقی خواهد ماند و مردم ایران احساس آزادی نخواهند کرد . امکان آزادی فعالیت سیاسی احزاب سیاسی در زمانی مطرح می شود که رژیم بیشتر از هر زمان دیگری در گرداب بحرانها و سردرگمی ها دست و پا میزند و از پایگاه اجتماعی سابق وی در میان توده های ایران آثاری بجای نمانده است . از این رو ریاکارانه به طرح این مساله پرداخته است تا از آن برای جاوگیری از گسترش ناراضگی ها استفاده کند و سرنگونی خود را حتی الامکان بتعویق ببرد . بعین کشیدن چنین حرفهایی از سوی رژیم نمودی است از ضعف و ناتوانی آن در مقابل جنبش در حال گسترش

مردم ایران . بنابراین اگر هم چنین طرحهایی از مرحله حرف به مرحله عمل در آیند - که نمی آیند - این نه نشانی از دمکراتیزه شدن رژیم خودکامه و واپسگرایی آخوند ها است ونه نموداری از تغییر ماهیت وی . اگر بایستی نخست بار سنگینی که طی ده سال حکومت آخوندی بر دوش مردم ایران افتاده است از سر مردم ایران رفع شود نباید اجازه داد که این حکومت چهار به عمر خود ادامه دهد . این وظیفه یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت ملی و دموکراتیک هم که ضرورت مبرم انقلاب در حال حاضر ایران است ، تنها با وحدت و همکاری تمامی نیروهای انقلابی امکان تحقق خواهد یافت . بگوئیم این وظیفه تاریخی خود را بحسن احسن به انجام برسانیم .



واحدی همای کردستان ایران

همه روزه : به دو زبان کردی و فارسی
 موج کوتاه ردیف های :

۶۵۰۷۵ و ۴۱ متر

برنامه اصلی در ساعت ۱۲/۳۰ الی ۲ بعد از ظهر
 سخن حسن برنامه در ساعت ۵ الی ۶/۳۰ عصر
 برنامه کردی روز بعد در ساعت ۷ الی ۸ صبح
 بخش میگردد .

